عنوان:

فضیلت تلاوت قرآن و تاثیر آن بر جوانان

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-395 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/ورود به آستان بندگی/مستحبات/تلاوت قرآن |
| برچسب | تلاوت قرآن، فضیلت، تامل، تفکر در قرآن، جوانی، احادیث، امام خمینی(ره) |
| توضیحات |  |

 در این متن بیان امام خمینی(ره) در کتاب چهل حدیث در توضیح احادیث فضیلت تلاوت قرآن و تاثیر آن بر جوانان را می خوانید:

 يكى از وصاياى رسول اكرم، صلّى اللّه عليه و آله، وصيت به تلاوت قرآن است. و فضل تلاوت و حفظ و حمل و تمسك و تعلم و مداومت و مزاولت و تدبر در معانى و اسرار آن بيش از آن است كه به فهم قاصر ما درست آيد. و آنچه از اهل بيت عصمت، عليهم السلام، در خصوص آن وارد شده است در اين اوراق نگنجد، و ما به بعض آن قناعت كنيم.

كافى بإسناده عن أبي عبد اللّه، عليه السّلام، قال: القرآن عهد اللّه إلى خلقه، فقد ينبغي للمرء المسلم أن ينظر في عهده و أن يقرأ منه في كلّ يوم خمسين آية.[[1]](#footnote-1)

فرمود: «قرآن عهد خداوند است به سوى بندگان، همانا سزاوار است كه هر مرد مسلمانى در هر روز به آن عهد نظر كند و از آن پنجاه آيه قرائت كند.»

 و بإسناده عن الزّهرىّ قال سمعت علىّ بن الحسين، عليهما السّلام، يقول:

آيات القرآن خزائن، فكلمّا فتحت خزينة، ينبغي لك أن تنظر فيها.[[2]](#footnote-2)

«فرمود حضرت سجّاد، عليه السلام، كه آيات قرآن خزانه‏هايى است، پس هر وقت گشوده شد خزينه‏اى، سزاوار است كه نظر كنى در آن.»

 و ظاهر اين دو حديث آن است كه تدبر در آيات آن و تفكر در معانى آن خوبست بكنند. و تدبر و تفكر در آيات محكمه الهيّه و فهم معارف و حكم و توحيد و تفريد از آن نمودن غير از تفسير به رأى است كه منهىّ عنه است در مقابل اصحاب رأى و أ هواى فاسده، بدون تمسك به اهل بيت وحى كه مختص به مخاطبه كلام الهى هستند، چنانچه در محالّ خود ثابت است و تفصيل در اين مقام بيموقع. و كفايت مى‏كند قول خداى تعالى: أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى‏ قُلوبٍ أَقْفالُها.[[3]](#footnote-3)و در اخبار امر به رجوع به آن و تدبر در معانى آن بسيار وارد است. حتى از جناب امير المؤمنين، عليه السلام، نقل است كه فرمود: «خيرى نيست در قرائتى كه از روى تفكر نباشد.»[[4]](#footnote-4)

و بإسناده عن أبي جعفر، عليه السّلام، قال قال رسول اللّه، صلّى اللّه عليه و آله: من قرأ عشر آيات في ليلة، لم يكتب من الغافلين. و من قرأ خمسين آية، كتب‏ من الذّاكرين. و من قرأ مائة آية. كتب من القانتين. و من قرأ مائتي آية. كتب من الخاشعين. و من قرأ ثلاثمائة آية، كتب من الفائزين. و من قرأ خمسمائة آية. كتب من المجتهدين. و من قرأ ألف آية، كتب له قنطار من برّ: القنطار خمسة عشر ألف (خمسون ألف) مثقال من ذهب، و المثقال أربعة و عشرون قيراطا: أصغرها مثل جبل أحد، و أكبرها ما بين السّماء و الأرض.[[5]](#footnote-5)

و در اخبار كثيره قضيه تمثل قرآن به صورت نيكويى، و شفاعت نمودن آن از اهل خود و قرائت كنندگان وارد است،[[6]](#footnote-6) كه از ذكر آنها صرف نظر كرديم. و در حديث است: «مؤمنى كه قرائت قرآن كند در حال جوانى، داخل شود قرآن به گوشت و خون او، و او را خداوند با سفراى كرام نيكوكار قرار دهد، و قرآن پناه اوست در قيامت و در محضر حق گويد: «خداوندا، هر عاملى اجر عملش را گرفت غير از عامل به من، پس بهترين عطاياى خود را به او برسان.» پس خداى تعالى به او بپوشاند دو حلّه از حلّه‏هاى بهشتى و بر سر او تاج كرامت نهد. پس خطاب شود: «آيا راضى شدى؟» قرآن عرض كند: «من اميد بيشتر داشتم.» پس امن و امان را به دست راست او دهند و خلد را به چپ، پس داخل بهشت شود و به او گفته شود:

«قرائت كن و بالا بيا درجه‏اى.» پس به قرآن خطاب شود: «آيا او را به مقامات رسانديم و تو راضى شدى؟» عرض كند: آرى.[[7]](#footnote-7) »

فرمود حضرت صادق، عليه السلام، كه «كسى كه قرآن را بسيار قرائت كند و با او عهد تازه كند به مشقت كشيدن در حفظ آن، دو اجر به او عطا فرمايد»[[8]](#footnote-8) و از اين حديث شريف معلوم شود كه مطلوب در تلاوت قرآن شريف آن است كه در اعماق قلب انسان تأثير كند و باطن انسان صورت كلام الهى گردد، و از مرتبه ملكه به مرتبه تحقق رسد.

و اشاره به اين فرموده آنجا كه فرمايد: «جوان مؤمن اگر قرائت كند، قرآن در گوشت و خون او وارد شود.» و اين كنايه از آن است كه صورت قرآن در قلب مستقر و جايگزين گردد به طورى كه خود باطن انسان كلام اللّه مجيد و قرآن حميد گردد به اندازه لياقت و استعدادش. و در حمله قرآن كسى است كه باطن ذاتش تمام حقيقت كلام جامع الهى است و خود قرآن جامع و فرقان قاطع است، مثل على بن ابى طالب، عليه السلام، و معصومين از ولد طاهرينش (ع) كه سراپا تحقق به آيات طيبات الهيه هستند، و آنها آيات اللّه عظمى و قرآن تامّ و تمام هستند. بلكه در تمام عبادات اين معنا مطلوب، و يكى از اسرار بزرگ و عبادات و تكرار آن همين تحقق به‏ حقايق عبادات است، و متصور شدن باطن ذات و قلب است به صورت عبادت. و در حديث است كه «على، عليه السلام، نماز مؤمنين و روزه آنان است.»[[9]](#footnote-9)

و اين تأثر قلبى و تصور باطنى در ايام جوانى بهتر حاصل شود، زيرا كه قلب جوان لطيف و ساده است و صفايش بيشتر است و واردات آن كمتر و تزاحمات و تراكمات در آن كمتر است، پس شديد الانفعال و كثير القبول است. بلكه هر خلق زشت و زيبايى در قلب جوان بهتر داخل شود و شديدتر و زودتر از آن متأثر و منفعل گردد. و بسيار اتفاق افتد كه حق يا باطل يا زشت يا زيبا را به مجرد معاشرت با اهل آن بدون دليل و حجت قبول نمايد. پس، بر جوانها لازم است كه كيفيت معاشرت و مؤانست خود را ملتفت باشند و از معاشر بد اجتناب كنند، گرچه دل آنها محكم به ايمان باشد. بلكه معاشرت با تباهكاران و اهل خلق و عمل بد براى نوع طبقات ضرر دارد، و هيچكس نبايد از خود مطمئن باشد و به ايمان يا اخلاق و اعمال خود مغرور گردد، چنانچه در احاديث شريفه نهى از معاشرت با اهل معاصى شده.[[10]](#footnote-10)

چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 498

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

1. اصول كافى، ج 2، ص 609،« كتاب فضل القرآن»،« باب في قراءته»، حديث 1. [↑](#footnote-ref-1)
2. اصول كافى، ج 2، ص 609، «كتاب فضل القرآن»، «باب في قراءته»، حديث 2. در اين منبع جمله آخر حديث به صورت تنظر ما فيها ضبط شده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. «پس چرا در قرآن تدبر نمى‏كنند؟ مگر اينكه بر دلهاشان قفلهاست.» (محمد- 24) [↑](#footnote-ref-3)
4. لا خير في عبادة لا فقه فيها و لا في قرائة لا تدبّر فيها (خيرى نيست براى عبادتى كه در آن فهم نباشد، و براى قرائتى كه در آن تدبر نباشد.) المحجة البيضاء، ج 2، ص 237، «كتاب آداب تلاوة القرآن»، باب 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. اصول كافى، ج 2، ص 612،« كتاب فضل القرآن»،« باب ثواب قراءة القرآن»، حديث 5. [↑](#footnote-ref-5)
6. اصول كافى، ج 2، ص 596- 602،« كتاب فضل القرآن»، حديث 1، 11، 12، 14. [↑](#footnote-ref-6)
7. عن أبي عبد اللّه (ع) قال: من قرأ القرآن و هو شابّ مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه، و جعله اللّه عزّ و جلّ مع السّفرة الكرام البررة، و كان القرآن حجيزا عنه يوم القيامة. يقول: يا ربّ، إنّ كلّ عامل قد أصاب أجر عمله غير عاملى، فبلّغ به أكرم عطاياك. قال فيكسوه اللّه العزيز الجبّار حلّتين من حلل الجنّة، و يوضع على رأسه تاج الكرامة، ثمّ يقال له: هل أرضيناك فيه؟ فيقول القرآن: يا ربّ، قد كنت أرغب له فيما هو أفضل من هذا. فيعطى الأمن بيمينه و الخلد بيساره، ثمّ يدخل الجنّة، فيقال له: اقرأ و اصعد درجة. ثم يقال له: هل بلّغنا به و أرضيناك؟

فيقول: نعم. قال: و من قرأه كثيرا و تعاهده بمشقّة من شدّة حفظه، أعطاه اللّه عزّ و جلّ أجر هذا مرّتين. اصول كافى، ج 2، ص 603، «كتاب فضل القرآن»، «باب حامل القرآن»، حديث 4. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 126، «ثواب من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن». [↑](#footnote-ref-7)
8. عن المفضّل قال: سمعت ابا عبد اللّه (عليه السلام) يقول: إنّ الّذى يعالج القرآن ليحفظه بمشقة منه، و قلّة حفظ له أجران در بحار الانوار، ج 90، ص 187، «كتاب القرآن»، «باب 20»، حديث 7. مشابه اين روايت آمده است. [↑](#footnote-ref-8)
9. عن داود بن كثير قال: قلت لابى عبد اللّه (ع): أنتم الصّلاة في كتاب اللّه عزّ و جلّ و أنتم الزّكاة و أنتم الحجّ؟

فقال: يا داود نحن الصّلاة في كتاب اللّه عزّ و جلّ و نحن الزّكاة و نحن الصّيام و نحن الحجّ ... داود بن كثير مى‏گويد به امام صادق (ع) عرض كردم: شما نماز در كتاب خدا هستيد و شما زكات و شما حج مى‏باشيد؟ پس پاسخ دادند: اى داود ما نماز در كتاب خدا هستيم و ما زكات و روزه و ما حج هستيم. بحار الانوار، ج 24، ص 303، «كتاب الامامة»، «باب أنّهم الصلاة و الزكاة.»، حديث 14. [↑](#footnote-ref-9)
10. اصول كافى، ج 2، ص 639- 642،« كتاب العشرة»،« باب من تكره مجالسته و مرافقته»، حديث 1- 3، 6- 7، 10. [↑](#footnote-ref-10)